

«تاریخ زبان‌شناسی»

مؤلف: پیترا ام سورن

مترجم: علی محمد حق‌شناس

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۷۳

کتاب مورد نظر از معدود کتاب‌های زبان‌شناسی است که در چند سال اخیر به جامعه زبان‌شناسی معرفی شده است و از مزایای فراوان و غیر قابل انکاری برخوردار است که می‌تواند مورد استفاده همه زبان‌شناسان و علاقه‌مندان به موضوعات زبان‌شناسی (ادبیات، نقد ادبی، ترجمه و ...) باشد. خود اثر کتابی است جامع که تصویری روشن از سیر تحولی مطالعات زبانی از دوره باستان تا قرن بیستم را به تصویر می‌کشد و به زیبایی مبانی بسیاری از یافته‌های مدرن در حوزه زبان‌شناسی را با سنت آن در گذشته‌های دور پیوند می‌زند. این اثر را شاید بتوان با اثر تاریخ مختصر زبان‌شناسی نوشته روبینز مقایسه کرد (اثری که آن نیز توسط مترجم محترم و استاد فرزانه و توانا دکتر حق‌شناس به زبان‌شناسان ایرانی معرفی گردیده است). در مقایسه با اثر روبینز می‌توان گفت زبان روان‌تر و رساتری دارد و پی‌گرفتن مطالب، خواننده را با متن دشوار و زبان پیچیده روبینز درگیر نمی‌کند. این دو اثر به راستی در درک عمیق گذشته و حال زبان‌شناسی بسیار مفید هستند. این کتاب را می‌توان به عنوان متنی موثق برای درس تاریخ زبان‌شناسی و بخشی از درس مکاتب زبان‌شناسی و همچنین اصول دستور زبان بهره‌برد و حلقه‌های گمشده مربوط به اصطلاحات و فرازبان‌های مطالعه دستور و زبان‌شناسی را به دانشجویان این رشته ارائه نمود. نکته جالب توجه و قابل ذکر در این

۱۳۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

اثر عدم سوگیری نویسنده با شارحان و نظریه‌پردازان و ایجاد فرصت برای خواننده برای قضاوت و برداشت مستقل است. پس به طور کلی این کتاب را می‌توان کتابی بسیار ارزشمند و تأثیر گذار نامید. اما در خصوص ترجمه اثر، این کتاب یا ترجمه را همانند اصل اثر نیز حقیقتاً می‌بایست یک شاهکار نامید. مترجم نام‌آشنای این کتاب با هنر تمام از دانش والای زبان‌شناسی و ادبی خود و همچنین شم انگلیسی بسیار غنی خود بهره برده و در واقع می‌توان گفت تألیف دوباره‌ای از اصل اثر به دست می‌دهد و خواننده با خواندن هر پاراگراف به تحسین مترجم می‌نشیند. اصطلاحات به زیبایی گزینش شده‌اند و هر کدام در جای خود و به جای خود به کار رفته‌اند و آنچه در اختیار خواننده قرار گرفته اثری است کامل که هم محتوای آن و هم ترجمه والای آن قابل تحسین است.

کتاب سورن از دو بخش و سیزده فصل تشکیل شده است. بخش نخست در واقع به بررسی نگرش‌های فلسفی و زبان‌شناختی کلاسیک و سنتی می‌پردازد و ریشه این دست مطالعات را از زمان باستان و از دوره افلاطون و ارسطو معرفی کرده است. تأثیر آرای افلاطون و ارسطو به ویژه در بحث معنا و دستور از موضوعات مختلف زبان‌شناسی، بدون تردید تا دوره معاصر تداوم داشته و برای رسیدن به درک جامع در خصوص این مباحث ناگزیر و به درستی بایستی از دوره باستان آغاز کرد. فصل اول کتاب بیشتر به معرفی دیدگاه افلاطون اختصاص یافته و به روشنی نگرش این فیلسوف بزرگ را در معرض دید خواننده می‌گذارد. فصل دوم کتاب نیز سنت ارسطویی را به بحث می‌گذارد و تا پایان فصل سوم و با معرفی مفهوم سامان‌گرایی و سامان‌گریزی، آنچه را در دوره باستان در خصوص زبان مطرح بوده در یک چشم‌انداز روشن فراروی خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد. فصل چهارم و پنجم نیز با اشاره به استیلای کلیسا و رونق دستور نظریه‌پردازانه به اولویت مباحث معنایی در حیطه مطالعات زبانی می‌پردازد. نکته قابل توجه اشاره مشخص سورن به تأثیر نفوذ اسلام در سال‌های میان ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ میلادی است. به باور سورن در این بخش بی‌تردید مسلمانان با معرفی همه جانبه فرهنگ و معرفت شرقی و اسلامی در قسمت اسپانیای جنوبی و ایتالیا، تأثیر به سزایی در شکوفایی زندگی شهری و بهره‌گیری از آثار ترجمه شده ارسطو در این منطقه از جهان داشتند.

تاریخ زبان‌شناسی ۱۳۷

سورن در فصل پنجم نیز به عوامل پیدایش رنسانس یا همان نوزایی اشاره می‌کند و با بیان تأثیر عوامل اجتماعی و باور شناختی به معرفی کارهای ارزشمند آن دوره مانند دستور پورت رویال می‌پردازد. در بررسی قرن هجدهم و با توجه به تعامل بین ملت‌های مختلف و شکل‌گیری رمانتیسم از اهمیت فرهنگ‌نگاری و دستور نویسی با اهداف آموزشی زمینه‌های شکل‌گیری نظریه عام در خصوص زبان به عنوان قوه نطق را فراهم می‌سازد. برای رسیدن به بررسی زبان طبیعتاً می‌بایست ابتدا مقایسه‌ای از زبان‌ها وجود داشته باشد و ظرفیت‌های ساختاری زبان‌ها با تأمل بیشتری بررسی شود - به لحاظ تاریخی این اتفاقی است که در قرن نوزدهم می‌افتد و سورن در فصل ۹ کتاب خود مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی قرن نوزدهم را به معرض دید خواننده می‌گذارد و مشخصاً به کار ارزشمند ویلیام جونز و بازسازی‌های تاریخی قرن نوزدهم اشاره می‌کند. فصل یازدهم عمدتاً دیدگاه فیلسوف برجسته آلمانی ویلهلم فون هومبولت را بررسی می‌کند. سورن در فصل دوازده و سیزده در اثر خود پلی بین قرن نوزدهم و بیستم می‌زند و مسیر مطالعات زبانی در این دوره تاریخی را که زمینه‌های پیدایش سوسور و بعدها چامسکی در حوزه مطالعات زبانی است دنبال می‌کند. در پایان کار و با مطالعه این اثر خواننده همه زمینه‌های لازم را برای درک درست آنچه زبان‌شناسی مدرن قرن بیستم محسوب می‌شود، در اختیار دارد و با آشنایی با سنت موضوعات مربوط به زبان، دانش مطالعات زبانی او از هویت و ریشه برخوردار می‌شود.

- متن ترجمه بسیار روان و رسا است و مشکل می‌توان لغزش‌های نگارش در آن یافت.
- ترجمه دقیق و کامل است که جانب امانت‌داری در آن رعایت شده است.
- متن به خوبی ویرایش شده است و کیفیت بالایی دارد. اما گاه به کارگیری صورت‌های نامأنوس نظیر «منتشیر» (ص. ۲۸) و «فامنتظر» (ص. ۹) که در فارسی کمتر مرسوم است، به چشم می‌خورد.
- کیفیت اثر نسبتاً مناسب است. اما منطقه چاپ یا ناحیه‌ای که متن در آن دیده می‌شود اندکی کج است و حاشیه ذیل متن هم خیلی کوچک است.

۱۳۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- به عنوان یک اثر تاریخی به تنهایی درس مذکور را پوشش نمی‌دهد چرا که فاقد جزئیات لازم است و هدف نویسنده از نگارش اولیه آن نیز چنین نبوده است. به نظر می‌رسد که در کنار این اثر مفید، خواندن آثار دیگر یا بخشی از آن‌ها ضروری باشد.
- از منظر کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی تقریباً بی‌نقص است و مشکل می‌توان از آن ایراد گرفت.
- کیفیت معادل‌سازی در اغلب بخش‌های متن دقیق و مناسب است. البته گاه معادلیابی‌ها چندان مأنوس نیستند، همانند «زبان‌شناسی کاربرده» صفحه ۶۴ در برابر Applied Linguistics، «دای سخن» صفحه ۶۵ در برابر Punctuation، «توانایی ذهنی زبان» صفحه ۱۶۹ در برابر Language Faculty، «روبرداشت» صفحه ۲۲۴ برابر Calque.
- اصل اثر شکل کتاب درسی ندارد و فاقد بخش‌هایی از قبیل مقدمه، جمع‌بندی، تمرین و ... می‌باشد.
- انطباق اثر با عنوان و فهرست به خوبی به چشم می‌خورد
- این کتاب تا حدی با سرفصل‌ها مطابقت دارد، اما متأسفانه به بسیاری از سنت‌های بزرگ زبان‌شناسی نظیر سنت هندی، چینی و اسلامی اشاره‌ای نکرده است و دلایلی که برای کنار گذاشتن این‌ها در مقدمه ارائه می‌دهد چندان قانع‌کننده نیست.
- این اثر برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد زبان‌شناسی به عنوان یکی از منابع اصلی قابل استفاده است.
- از آن‌جا که اثر تاریخی است مسأله روزآمدی چندان نمی‌تواند مطرح باشد. اما به هر حال از منابع موثق قدیم و جدید در نگارش آن استفاده شده است.
- اگر چه کتاب یک اثر تاریخی است اما متضمن یک نوآوری هم هست و آن این‌که به جای ارائه دروه‌ای تاریخ، تاریخ تحول مفاهیم را مورد بحث قرار داده است.
- متن از انسجام و نظم منطقی خوبی برخوردار است و گسستگی در ارائه مطالب به چشم نمی‌خورد.

تاریخ زبان‌شناسی ۱۳۹

- در این اثر از منابع معتبر بسیاری به خوبی بهره گرفته شده است.
- ارجاعات در اغلب موارد دقیق است اما مواردی هم از لغزش دیده می‌شود. این چند مورد در فهرست ارجاعات و منابع پایانی وجود ندارند:

✓ Miller, 1991 در صفحه ۱۵۳ خط پنجم،

✓ دارنل، ۱۹۹۴ صفحه ۱۵۷

✓ ووژلا، ۱۶۴۷، صفحه ۱۵۹

✓ کوریه دو ووژلا، صفحه ۱۶۱

✓ سوئیگرز، ۱۹۸۳، صفحه ۱۶۲

✓ اشتانیتال، ۱۸۶۰ a.

- ترجمه روان است و هیچ موردی از قلم نیافتاده است.
- معادل‌یابی دقیق است. علاوه بر این، متن دارای پیش‌گفتار مترجم (۷ صفحه) و تعداد اندکی پاورقی مربوط به مترجم است.

آنچه از بررسی کتاب به دست می‌آید این است که گاه برخلاف رویینز که نیم‌گاهی هم به اهم دستاوردهای دیگر فرهنگ‌های بشری در سطح و ساحت آورده‌های آنان در زبان‌شناسی دارد، سورن توجه خود را عمدتاً و بسیار پررنگ به خط سیر زبان‌شناسی از تمدن یونان باستان تاکنون معطوف می‌کند. هر چند سورن در مقدمه خود به این واقعیت اذعان دارد که زبان-شناسی برخاسته از دیدگاه‌های یونانی‌تبار و به تبع آن لاتینی محور در قرون اخیر اروپای غربی محور چندان کاری با تأثیر دین نداشته‌اند و بیشتر به واقعیات ملموس و سطح اول پرداخته‌اند، اما نباید فراموش کرد که دیگر خطوط فکری زبان‌شناختی مانند آنچه در جهان اسلام مطرح شده است برخاسته از دیدگاه‌هایی است که بیشتر مکمل دیدگاه‌های غربی است تا این که معارض با آن‌ها باشد.

در قالب نقد و معرفی کتاب سورن ضرورت دارد که به نکاتی که از کتاب و نگرش وی به زبان‌شناسی بر می‌خیزد توجه گردد. نخست آن که دیدگاه یافتن و رگه‌یابی واقعیات زبانی-تاریخی اقدامی است سترگ که جز با داشتن دانش عمیق و دیدگاهی کل‌گرایانه (که گاه با یکدیگر ناسازگار می‌نمایند) از ضرورت‌های تدوین هر اثر علمی با رویکردی تحلیلی-تاریخی است. دوم آن که نویسندگانی که همت به تصویر کردن تاریخ تحول هر علمی را دارد، لاجرم آیین‌های است از آن‌چه که در فرهنگ خودش به آن‌ها خو گرفته است و بدین سان گاه دشوار است که بیرون از آن‌چه تا به حال برایش عادی بوده است را به نظاره و توصیف بنشینند. اقرار

۱۴۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

سورن به عدم به رسمیت شناختن پایگاه تفکر دینی در زبان‌شناسی یونانی تبار غربی از همین حقیقت ناشی می‌شود. آن‌چه در کتاب سورن دیده می‌شود جریانی است که از یونان آغاز شده و در اروپای قاره‌ای در هر دوره تأثیراتی شگرف گذاشته است و البته دامنه این تأثیرات در حرکتهای زبان‌شناسی در آمریکا هم در واقع همان خط سیر یونانی‌تبار است.

یکی از دستاوردهای دیدگاه سورن این است که سنت زبان‌شناسی را به طور اجمال به سه دسته: ۱- غیر دینی مانند سنت یونانی-لاتینی و امروزه زبان‌شناسی اروپایی-آمریکایی، ۲- کمتر دینی، مانند سنت زبان‌شناسی هند باستان با نگاهی خاص به پائینی و ۳- متأثر از دین در اسلام و تا حدی هم یهودیت تقسیم می‌کند. اگر چه سورن به سنت‌های زبان‌شناختی هند باستان و به خصوص جهان اسلام نپرداخته است (که این خود البته در حوزه کار کتاب وی هم نیست، هر چند نقضی غیر قابل اغماض است). نفس این پدیده خود به ما می‌نمایاند که سنت اسلامی را دریابیم و تأثیرات آن را بر مباحثی که زبان را به مثابه آینه می‌گیرد در نظر آوریم. این دیدگاه اساساً غیر دینی یونانی تبار که به واقعیت‌گرایی غربی در طول زمان و اعصار کمک‌های شایانی کرده است اثرات نامطلوبی هم بر آن سنت برجای گذاشته است که از جمله این اثرات نادیده انگاشتن نقش عنصر قداست دینی در مطالعات زبان‌شناختی است. از این رو، متون خواه مقدس مانند کتب دینی ادیان و در مورد اسلام، قرآن کریم و خواه متون غیر مقدس مانند یک متن ورزشی یا خبر اقتصادی همگی در سطح و ساحت متن به معنا و متن و کاربرد زبان بی‌هیچ ویژگی متمایز کننده‌ای در نظر گرفته می‌شوند. در حالی که اعتقاد به دین و به تبع آن به وجود قادر و خالق متعال یعنی خداوند تبارک و تعالی امری فطری و بشری است که به متنی که از سوی خداوند متعال نازل شده باشد نه تنها قداست دینی که حجیت زبانی به لحاظ صحت اثر می‌بخشد. یکی از ایرادات سنت یونانی تبار زبان‌شناسی غربی همین نادیده گرفتن تعمیدی پدیده‌ای است که فطری است و این فطری بودن دین، صد البته بازتاب‌هایی در سطح نگرش به پدیده زبان و کاربردهای آن و تجزیه و تحلیل آن هم دارد.

لازم به یادآوری است که در همان نحله‌های غربی و یونانی تبار زبان‌شناسانی یافت می‌شوند که قائل به الهی بودن قوه زبان در بشر هستند. یکی از چنین متفکرانی، ویلیام ویتنی است که در کتاب **زبان و مطالعه** زبان (ویراست پنجم، نیویورک: چارلز اسکرینبرز، ۱۹۸۲، صص. ۳۹۹-۴۰۳) به الهی بودن زبان تصریح می‌کند. در ادوار اخیر هم ساپیر در کتاب **زبان‌های مقدس و متون مقدس** (۱۹۹۹) هم همین دیدگاه را برگرفته است.

کتاب سورن علی‌رغم تمامی فوایدی که برای زبان‌شناسان امروزی دارد و تاریخ و نظریه را بیشتر با رویکرد به نظریه و تحلیل پدیده‌ها از چشم‌انداز زبان‌شناسان عمدتاً اروپای قاره‌ای تحلیل می‌کند، می‌تواند این مسأله را هم تلویحاً القا کند که سایر اقوام و ملل و تمدن‌ها در این خصوص چه می‌کرده‌اند و چقدر از قافله عقب مانده‌اند. در خاتمه این ارزیابی مختصر خاطر

تاریخ زبان‌شناسی ۱۴۱

نشان می‌گردد که مابین سطور و حاشیه‌های سفید کتاب سورن به هیچ روی بی‌اهمیت‌تر از نگاشته‌های وی نیستند و فهم این مطلب تنها آن‌گاه خود را می‌نمایاند که دریابیم ما شرقیان که به لحاظ تاریخی کمتر از نحله‌های یونانی‌تبار تأثیر پذیرفته‌ایم هم سنت‌های زبان‌شناسی خود را داریم، هر چند که کم‌کوشی تاریخی و عدم احساس نیاز به تحریر کردن آن‌ها همچنان آسیبی است پر زخم بر پیکره فرهنگی ما. به امید آن روزی که نویسنده‌ای از فرهنگ شرقی-اسلامی خود ما بتواند کتابی همسنگ با آثار سورن و روینز به جامعه بشری جهانی عرضه کند.